

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: زولتان زیگدی

فرستنده: عثمان حیدری

۲۲ اپریل ۲۰۱۹

سرمایه‌داری، بحران محیط زیست و سوسیالیسم

در کنار جنون مصرف، میلیاردها نفر از جمعیت جهان فاقد حتی یک زندگی ابتدائی پایدار است. آن‌ها در میان فقر، بیماری، مسکن، غذا و آب ناکافی به ندرت زنده می‌مانند. تا ابزارهای مادی رفع فلاکت تأسف‌آور و غیرانسانی میلیاردها انسان مهیا نشده، پیشرفت و رشد باید الزامی باشد. محروم ساختن سنگدلانه آن‌ها از آینده به دلیل خوار شمردن ابر-مصرف‌گرایی، حقیر و خودخواهی است. کسانی که چنین آسان پیشرفت و رشد را محکوم می‌کنند بی‌شرمانه چشم خود را بر نابرابری‌های طبقاتی، نژادی و ملی بسته اند.



«گفتارهای این کنفرانس، به تصریح یا که در مضمون، جلگی بر چهره نمائی چپ در وجود یک ستراتیژی سیاسی متکی بر تجارب غنی و نیز ناکامی‌های پیشین چپ ایران و جهان تأکید داشتند. ستراتیژی چپی متمایز با دیروز خود و منعکس در ستراتیژی که در آن باورمندی به آزادی، پایبندی بر اصول دمکراسی، با چشم‌انداز سوسیالیستی و دفاع از محیط زیست تجلی می‌یابند.» (پیرامون ستراتیژی سیاسی- برداشت از طرح‌ها و مباحث کنفرانس «وحدت چپ»)

صد سال دیگر، بشر ممکن است سال ۲۰۱۴ را به مثابه سالی به یاد آورد که ما برای نخستین بار مطلع شدیم ممکن است لایه بزرگ یخ در غرب قطب جنوب را به طور برگشت‌ناپذیر متزلزل کرده و موجب افزایش ۳ متری سطح ابحار شده باشیم.

در عین حال، سال ۲۰۱۵، زمانی که مطلع شدیم یخچال غول‌پیکر شرق قطب جنوب نیز به همان سرنوشت دچار شده و ممکن است سطح بحر را به همان اندازه بالاتر بیاورد، می‌تواند قوز بالا قوز باشد.

سکنه نیم‌کره شمالی و به ویژه امریکائی‌ها باید در نظر بگیرند زمانی که قسمت تحتانی کره زمین مقدار عظیمی یخ از دست می‌دهد کسانی از ما که نزدیکتر به بخش فوقانی آن زندگی می‌کنند به علت قانون جاذبه بیشتر از باقی کرده زمین بالا آمدن سطح بحر را خواهند دید (واشننگتن پست، ۱۶ مارچ ۲۰۱۵).

تازمترین یافته‌ها درباره تغییرات اقلیمی که در واشنگتن پست گزارش شد یک گام دیگر به سوی فاجعه محیط زیستی را نشان می‌دهد. بی‌فرهنگ‌ها، آخرازمانی‌ها و دیگر تجلیل‌گران نادانی به کنار، مردم درک می‌کنند که تخریب فزاینده کره زمین در کوتاه‌مدت درد و فرائر از آن فاجعه به بار خواهد آورد. زمانی که انسان بر روی کره زمین ظهور نمود، محیط زیست، شرایط اقلیمی، و دیگر ویژگی‌های جهان طبیعی موانع ظاهراً غیرقابل عبوری را برای بقاء نشان می‌دادند. ماقبل تاریخ و تاریخ اولیه انسان یک مبارزه ظریف برای ایجاد مانع در برابر بلاهای طبیعی و تلاش نومیدانه برای بهره‌برداری از چیزهای اندکی بود که طبیعت ارائه می‌نمود.

نزدیک دوصد هزار سال پس از پیدایش انسان اندیشه‌ورز (هومو ساپینس) شرایط یک دور کامل زده است. بشریت ابزارهای غلبه بر طبیعت را (گرچه بسیار دور از یک شیوه انسانی)، اما با توجه بسیار کم به پایداری پروژه انسانی پیدا کرده است.

امروز، گونه آسیب‌پذیر سابق جهان را به غیرقابل سکونت شدن برای خود تهدید می‌کند؛ یک نوع خودکشی نابخردانه از سوی تنها گونه‌ای که بدرستی ادعا می‌کند دارای خرد است. برای آن‌هایی که مصمم هستند از این مسیر خودکشی اجتناب نمایند، مشخص ساختن علت و یافتن راه‌های حل یک وظیفه عاجل است.

آیا «پیشرفت» و «رشد» دشمن است؟

در برخی محافل مُد است که علت بحران محیط زیستی را در شهوت ارضاء نشدنی برای «پیشرفت»- اصطلاحی که به همان اندازه موهوم است که نادقیق- قرار دهند. با نگاه به گذشته، به دهه ۱۹۶۰ و عصر «ضد-فرهنگ»، بسیاری جهانی را تصور می‌کنند که مصرف‌گرایی و فتیش برای تازه برای همیشه به سود یک سبک زندگی ساده و ارزش‌های روشنفکرانه، معنوی، هنری طرد شود. این تعهد به مصرف ساده و مهار خواستن بسیار تحسین‌برانگیز است.

اما این به مثابه یک گزینه شخصی هر قدر تحسین‌برانگیز باشد، یک سیاست اجتماعی شدیداً کوتاه‌بینانه است. مطمئناً، اقتشار متوسط بالای کشورهای پیشرفته [و در حال پیشرفت مانند ایران-عدالت] می‌توانند با خروج از رقابت دیوانه‌وار برای خانه‌های بزرگتر، خودروهای تجملی‌تر و آخرین اسباب‌بازی‌ها الکترونیک به محیط زیست کمک کنند. بدون تردید، طلب دیوانه‌وار بیش‌تر و بهتر نه قابل تحسین است و نه پایدار. اما:

ما پیش از آن‌که پیشرفت یا رشد را محکوم کنیم باید توجه داشته باشیم که در رد پیشرفت و رشد چیزی بیش‌تر از مصرف‌گرایی بی حد و حصر در ایالات متحده و اروپا یا زیاده‌روی مبتذل طبقات بالا در میان است.

در کنار جنون مصرف، میلیاردها نفر از جمعیت جهان فاقد حتی یک زندگی ابتدائی پایدار است. آن‌ها در میان فقر، بیماری، مسکن، غذا و آب ناکافی به ندرت زنده می‌مانند. تا ابزارهای مادی رفع فلاکت تأسّف‌آور و غیرانسانی

میلیاردها انسان مهیا نشده، پیشرفت و رشد باید الزامی باشد. محروم ساختن سنگدلانه آن‌ها از آینده به دلیل خوار شمردن ابر-مصرف‌گرانی، حقیر و خودخواهی است. کسانی که چنین آسان پیشرفت و رشد را محکوم می‌کنند بی‌شرمانه چشم خود را بر نابرابری‌های طبقاتی، نژادی و ملی بسته اند.

راه های حل:

راه های حل آتی به شکل‌ها و رنگ‌های گوناگون مطرح می‌شوند. راه های حل فردی مفید و قابل دفاع هستند، به این شرط که محرومین را از فرصت دستیابی به استانداردهای زندگی مناسب و متناسب با استانداردهای زندگی مرفه‌ترها محروم نکنند. به عنوان مثال، خواست عدم استفاده از وسایل خانگی ساخته شده با تکنولوژی‌های غیرکارآمد به وسیله مردمی که به وسایل خانگی مدرن دسترسی ندارند هم غیرمنطقی و هم ناعادلانه است. فداکاری برابر در شرایط نابرابری اقتصادی گسترده نمی‌تواند راه‌حلی برای تخریب محیط زیست باشد. بازیافت، استفاده دوباره، و دیگر طرح‌های شخصی گرچه لازم و مفید بوده، اما قادر نیستند گسترش جهانی و تمام شدن منابع را آهسته نمایند. راه های حل فردی و شخصی نیز نمی‌توانند منابع اصلی تخریب محیط زیست- یعنی شرکت‌ها و دولت‌ها را خنثا نمایند.

راه های حل متداول بر محوریت بازار و رویکردهای نظارتی بر بحران محیط زیست قرار دارند. اکثر فعالان محیط زیست شکست محوریت بازار یا اقدامات نظارتی را به مثابه شکست اراده سیاسی می‌بینند. آن‌ها معتقدند که سیاستمداران و جنبش‌های سیاسی هنوز به پی‌آمدهای شوم نادیده گرفتن بحران محیط زیست پی نبرده اند. این گرچه ممکن است درست باشد اما محدودیت شدید راه های حل بازار-محور و نظارتی و غیرممکن بودن کارآیی آن‌ها را در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی نمی‌بینند.

غیبت اراده سیاسی به دلیل نادانی نیست، بلکه به این دلیل است که نظام سیاسی متعلق به سرمایه‌داران است و از آن‌ها تغذیه می‌شود. به علاوه، اقتصاد جهانی- که عمده‌تاً یک اقتصاد سرمایه‌داری است- از منفعت و فقط منفعت نیرو می‌گیرد و منفعت با مبدل ساختن هر چیز مادی و غیرمادی به کالا ادامه و گسترش می‌یابد. منابع طبیعی، به مثابه یک کالا به جز آنچه که به سودجویی مرتبط می‌شود هیچ ارزشی ندارند.

استثمار انسان و منابع طبیعی- کار و ثروت طبیعت- گندم آسیاب منفعت است و سرمایه‌داری منفعت را پیش از طبیعت و پیش از مردم قرار می‌دهد. هم تاریخ و هم منطق انباشت و گسترش سرمایه‌داری ناگزیر بودن ائتلاف و نابودی را نشان می‌دهند.

فقط زمانی که تخریب طبیعت مانعی در برابر روند انباشت و گسترش منفعت باشد نظام سرمایه‌داری به بحران پاسخ می‌گوید؛ دانشمندان محیط زیست به ما می‌گویند این خیلی دیر خواهد بود.

و این دقیقاً نکته‌ای است که نائومی کلاین در کتاب تازه خود به نام «این همه چیز را تغییر می‌دهد: سرمایه‌داری در برابر تغییرات اقلیمی»، مانند دیگر روایت‌های گوناگون سوسیال دمکراتیک، چپ-نرم، که نوعاً مبهم بوده، بین رد حلول نولیبرالی سرمایه‌داری و چیزی ناروشن نوسان می‌کند- اما با جرأت بیشتری بر آن انگشت گذاشته است. اما تفکر کنونی او برتر است، گرچه هنوز از تأیید یک نگرش منسجم از سوسیالیسم فاصله دارد. او تصدیق می‌کند: «اما به این دلیل که این همه صبر کرده ایم، و اکنون باید پخش گازها را آنقدر که به آن نیاز داریم کاهش دهیم، اکنون نه فقط با نولیبرالسم، بلکه با سرمایه‌داری کشمکش داریم، زیرا این ناگزیر بودن رشد را زیر سؤال می‌برد. (نقل شده در «مانتلی ریویو»، یادداشت تحریریه، مارچ ۲۰۱۵). «کلاین» به خاطر این وسیعاً به وسیله خوانندگان لیبرال خود که هنوز وفادارانه به سرمایه‌داری چسبیده اند، مورد انتقاد قرار گرفت.

تحریریه «مانتلی ریویو» نکته‌بینانه اشاره می‌کند که «بحث کلاین اینجا انکارناپذیر است. مطمئناً، در انتقاد از نولیبرالیسم برای برچیدن ابزارهای لازم برای برخورد با تغییرات اقلیمی، او با زبردستی از این موضوع که آیا سرمایه‌داری به مثابه یک نظام هرگز می‌تواند به طور جدی مشکل را تخفیف دهد، اجتناب می‌نماید.» (همانجا)

سرمایه نمی‌تواند مشکل را تخفیف دهد

تحریریه «مانتلی ریویو» به طور متقاعدکننده استدلال می‌نماید:

«کلاین به اندازه کافی واقع‌بین و رادیکال است که به رسمت شناختن این ضرورت از جانب او، همراه با آمادگی او برای عمل برای آن، او و کل جنبش محیط زیست چپ را که او نمایندگی می‌کند در کشمکش با سرمایه به مثابه یک نظام- و نه فقط با زهرآگین‌ترین شکل نولیبرالی آن قرار می‌دهد. همان‌طور که او می‌گوید این یک «بحث دو مرحله‌ای» است، و ما اکنون در مرحله دوم قرار داریم. اگر قرار است ما یک شانس منطقی برای نجات تمدن داشته باشیم از این فاکت نمی‌توان فرار کرد که منطق انباشت سرمایه باید کنار زده شود.» (همانجا)

برای این‌که «کل جنبش محیط زیست چپ» فراتر از راه‌های حل فردی، پاسخ‌های بازار-محور، نظارت، رد نولیبرالیسم، و حتا سرمایه‌داری برود، جنبش باید هدف دیگری را تعریف کند و بپذیرد. آن هدف کدام است؟ تنها نظامی که در آن منافع وسیع بشریت جای منطق «منفعت-پیش از همه» را بگیرد می‌تواند به پرسش پاسخ دهد. تنها نظامی که بتواند هرجومرج تولید و توزیع را با برنامه‌ریزی ملی ریشه‌کن نماید می‌تواند یک پاسخ به شمار آید. تنها نظامی که بتواند با مالکیت عمومی آینده‌نگر جای منافع کوتاه‌مدت فردی را بگیرد می‌تواند با بحران مقابله نماید و تنها نظامی که نابرابری‌های افراطی موجود همراه با سرمایه‌داری و امپریالیسم را از میان بردارد می‌تواند به نیاز ما برای آوردن عدالت اجتماعی برای محرومین تحقق بخشد.

علی‌رغم تردید بخش عمده چپ از به زبان آوردن کلمه، پاسخ بسیار ساده است: سوسیالیسم.

فیل نادیده در اتاق

چیزی که از جنبش محیط زیست، از جمله «جنبش محیط زیست چپ» غایب است نقش امپریالیسم در دامن زدن به بحران محیط زیست است. به گفته ویکی‌پدیا: «وزارت دفاع ایالات متحده به تنهایی یکی از بزرگترین مصرف‌کنندگان انرژی در جهان است، و ۹۳ درصد کل مصرف سوخت ایالات متحده را در سال ۲۰۰۷ داشته است... در سال مالی ۲۰۰۶، وزارت دفاع تقریباً ۳۰ هزا گیگاوات ساعت برق، به قیمت تقریباً ۲,۲ میلیارد دلار مصرف کرد. برق مصرفی وزارت دفاع می‌تواند برق کافی برای بیش از ۲,۶ میلیون خانه آمریکایی را تأمین کند. در مصرف برق، وزارت دفاع اگر یک کشور بود، با اندک مصرفی کمتر از دانمارک و بیش‌تر از سوریه در رده ۵۸ قرار می‌گرفت (کتاب فاکت جهان «سیا»، ۲۰۰۶). وزارت دفاع سالانه ۴ میلیارد و ۶۰۰ میلیون گیلن سوخت، به طور متوسط ۱۲ میلیون و ۶۹۹ هزار گیلن آمریکایی در روز، مصرف می‌کند.»

به این کل برق و سوخت مورد مصرف باقی ناتو، جاپان، روسیه، جمهوری خلق چین و همچنین متخصصانی که پیوسته با امپریالیسم در جنگ هستند را اضافه کنید و شما میزان اتلاف بی‌حساب و از نظر اجتماعی غیرلازم منابع طبیعی و نابودی زیست بوم را در دست دارید.

صدها پایگاه نظامی- قرارگاه‌های امپریالیسم را که منابع را به جای حفاظت از محیط زیست صرف جنگ می‌کنند در نظر بگیرید.

به این کل آلودگی بی‌پایان، نابودی طبیعت و ساختارهای ساخت انسان، آلودگی زمین و آب و غیره را که با استفاده بی‌پایان از سلاح‌های مخرب همراه است، اضافه کنید.

تأثیرات کامل نظامی‌گری و تجاوز امپریالیستی در تصور نمی‌گنجد.

پنتاگون تخمین می‌زند که تولید و نگهداری تنها یکی از دستگاه‌های تسلیحاتی، اف-۳۵، به حدود سه‌چهارم تریلیون دلار کاهش یافته است. یک هزینه عظیم ناگفته مانده برای محیط زیست.

متأسفانه، بسیاری از فعالان محیط زیست بیش‌تر به آسیب ناشی از ریختن زباله در محیط نگران هستند تا خطر عظیمی که طرح امپریالیستی و جنگ بی‌پایان برای محیط زیست دارد. پیوستن به جنبش ضدامپریالیستی و ضدجنگ، مبارزه برای پایان دادن به امپریالیسم، از کل نوشداروهای لیبرالی و سوسیال دمکراتیکی که در حال حاضر بر بحث در جنبش محیط زیست غالب است بالقوه یک شیوه مؤثرتر برای التیام زخم‌های محیط زیست است. پریوس [خودرو برقی ساخت توئوتا] آری، پهپادهای شکارکننده، نه.

جنبش محیط زیست، در روند بلوغ خود، باید گزینه سوسیالیستی را بپذیرد. جنبش محیط زیست باید با عزم ثابت علیه امپریالیسم و خطر آن برای محیط زیست بایستد. هیچ موضع دیگری نمی‌تواند جلوی مارش «تمدن» به سوی نابودی خود را بگیرد. جانبداری رزمنده اصیل از محیط زیست با مشارکت برای سوسیالیسم و علیه امپریالیسم می‌آید.

منبع: مارکسیسم - لنینیسم امروز

تارنگاشت عدالت